

نگاه هفته

ضیافتی در سایه «درخت دوستی»



مجید اخشابی
دبیر جشن درخت دوستی

● بسیاری می‌پرسند چرا روز درختکاری را به عنوان روز «هنرمند» برای ثبت در تقویم ملی پیشنهاد می‌دهید؟ یا می‌پرسند چرا نخستین جشن دوستی را با عنوان جشن درخت دوستی و در ۱۵ اسفند که روز درختکاری است، برگزار می‌کنید؟ چرا به هنرمندان شرکت‌کننده در این جشن نهال اهدا می‌کنید؟ ساده‌است به‌اندیشه ما دوستی، یک نوع هنر درخت‌است؛ درختی حساس که نیازی همیشگی به مراقبت و محافظت دارد. نیازمند هرس است. اگر باغبانی نشود، خیلی زود خزانش می‌رسد. قطعاً وقتی این درخت با درخت هنر پیوند داده شود، میوه‌ای به طعم ماندگاری می‌دهد. به‌نظر می‌رسد دوستی‌ها در جامعه امروز ما کمی، کم‌رنگ شده‌است و برای استحکام و تجدید این دوستی‌ها، هنرمندان به عنوان الگوی اجتماعی باید پیشقدم شوند. همچنین به یاد ندارم که هنرمندان فارغ از جشنواره‌ها و همایش‌های تخصصی، در کنار هم جمع شده باشند، مگر روزی که یکی از هنرمندان از میان آنها رخت برپسته باشد. هنرمندی که شاید تا روز مرگش هیچ خبری از او نگرفته باشیم اما جامعه تنها در این زمان است که تعدادی از هنرمندان را در کنار هم می‌بیند، بنابراین جشن بزرگ درخت دوستی را طراحی کردیم تا در سایه مهر و محبت همگان، همه اهل هنر گرد هم جمع شوند و یک دیدار دوستانه و هنری اتفاق بیفتد. هنر دارای یک ذات مقدس و عاری از هر گونه سمت و سو و جهت است و ما به دنبال هنر پاک، متعالی و با شکوه هستیم. از سوی دیگر اصرار داریم که یک بهانه زیبا و دل‌انگیز موجب این دیدار شود و آن هم «روز درختکاری» باشد. امیدواریم که این جشن به مهر، مودت، دوستی و ارتباط بیشتر هنرمندان منتج شود. همچنین با توجه به فضای کنونی کشور به‌نظر می‌رسد که هر چقدر همدلی‌ها و رفاقت‌های بیشتر باشد، باز هم کم‌است. طرح این جشن به نهادهای مختلفی ارایه شد و نهایتاً از آنجایی که هنرمندان، میراث فرهنگی زنده و واقعی جامعه هستند، حمایت میراث فرهنگی بر این طرح مرتب شد و با توجه به اینکه روز درختکاری ثبت ملی شده، همزمانی این جشن با چنین روز عزیزی بهانه دیگری است تا جمع هنرمندان را در یک محفل دوستانه شاهد باشیم. نظریه‌پردازان زیادی اعتقاد دارند که در این عصر، مرگ هنر بزرگ اتفاق افتاده است البته این نظریه مخالفان و موافقان خاص خود را دارد اما مساله اینجاست که هنر ایرانی، هنری بزرگ است که هنوز شاخ‌وبرگ‌هایش جای رشد بسیار دارند. به‌نظر می‌رسد شرایط ایده‌آل برای بالندگی و پیشرفت آن میراث هنری که امروز در دست ماست، جز در سایه دوستی‌ها به وجود نمی‌آید مدت‌هاست که آن هنر والا و بزرگ ایرانی در حوا اندازای که باید باشد، دیده نشده است. به‌نظر می‌رسد که تفرق سلیقه‌ها یکی از علل آن است، بنابراین گام اول برای اعتلای نام هنر ایران بی‌شک این است که هنرمندان با هم همدل‌تر، رفق‌تر و همفکرتر باشند، باهم بیشتر گفت‌وگو کنند و سبک‌های مختلف، همدیگر را در کنار هم بپذیرند تا اختلاف سلیقه‌ها آن قدر ناگفته باقی نماند که به دشمنی ختم شود. امیدوارم که این نشست‌ها موجب همدلی و وحدت بیشتری شود، دیالوگ را میان اهالی رسانه برقرار کند و بدل به فرصتی عالی برای گفت‌وگو و نقد بشود و به مواردی منجر شود که هنر ما رشد پیدا کند.

در این جشن قصد داریم از تمبر چند هنرمند پیشکسوت، رونمایی کنیم. هرچند امیدوارم که برای تمامی هنرمندان این موزیوم چنین اتفاقی بیفتد همچنین کانون اتومبیلرانی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری به عنوان حامی این جشن، گواهینامه بین‌المللی راندگی را به تمامی هنرمندان شرکت‌کننده در این جشن اهدا خواهد کرد. برنامه‌های متعددی برای این شب - که از ساعت ۱۸:۳۰ شروع می‌شود و تا ساعت ۲۲ ادامه دارد- در نظر گرفته‌ایم. گروه برگزار کننده جشن درخت دوستی از همه ارگان‌هایی که به نوعی با هنر و فرهنگ مرتبطند کمک می‌خواهد تا مراسمی در خور هنرمندان کشور برگزار شود، این فرصتی عالی است تا نسل‌های مختلف در کنار هم قرار بگیرند و گفت‌وگو کنند. گفت‌وگو کلید همدلی است و در نهایت این درخت دوستی دوستی ماست که بر بار تر خواهد شد. «درخت دوستی نشان که کام دل بهار آرد».

پیشنهاد روز

رونمایی از پوسترهای تئاتری در موزه گرافیک

● شرق: بخشی از گنجینه گردآوری شده موزه گرافیک ایران که سال‌هاست در انتظار مکانی برای راه‌اندازی به‌سر می‌برد، با مرور بر پوسترهای تئاتر سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۶۸ به نمایش گذاشته می‌شود. انجمن طراحان گرافیک سال‌هاست در انتظار حمایت برای خرید مکانی به منظور تاسیس موزه گرافیک است، حتی آثاری که سیر تحول و تاریخچه گرافیک ایران را نشان دهد، جمع‌آوری شده است که بخشی از آنها پوسترهای تئاتر هستند. این آثار بخشی از پوسترهای فرهنگی هستند که با وجود تیراژ محدود‌تر در مقایسه با پوسترهای سینمایی از کیفیت بالا و هنری خوبی برخوردار هستند. این نمایشگاه که فردا «جمعه ۱۱ اسفند» برگزار می‌شود تا ۱۸ همین ماه در موزه هنر امام علی (ع) واقع در خیابان ولیعصر، روبه‌روی بزرگراه نیاش، بلوار اسفندیار ادامه دارد.

آنهايي که آمدند، آنهايي که رفتند



قباد شیوا
گرافیسٲ

فرهنگی کشور را برای ما ثبت و برای آیندگان محفوظ نگه‌می‌دارد. اگر مجله‌های تصویر سال، ۱۰ سال اخیر را ورق بزنیم، اتفاقات سیاسی و اجتماعی را در قالب آثار هنری برای ما یادآوری می‌کنند. آنهایی که آمدند و آنهایی که رفتند. آنهایی که هستند و آنهایی که نیستند و به ما چگونه دیدن را آموختند و...

۱۰ دوره برگزاری آن را شاهد بوده و هستیم از ابعاد و دیدگاه‌های متفاوتی قابل بررسی است. از نگاه ابعاد هنری به‌خصوص هنرهای تجسمی این پدیده پررونده سالانه کوشش‌های هنرمندان را یکجا و در کنار هم و شاید در رقابت با هم در یک کلمه در معرض دید و قضاوت و نقد مردم و هنرمندان دیگر قرار می‌دهد که این جریان میزان ثروت و غنا و بعضاً ضعف هنرهای تجسمی کشور ما را در هر سال پیش‌روی ما می‌گذارد. از بعد دیگر اگر به این ۱۰ سال، تصویر سال، نگاه کنیم می‌توانیم منحنی‌های هنرهای تجسمی در هر رشته آن را ترسیم کنیم و همین منحنی‌ها نشانگر رشد یا رکود در هر بخش را در کشور ما نشان می‌دهند و می‌توانیم برای ضعف‌ها برنامه‌ریزی کنیم اما در دید و بعد اجتماعی این جریان فارغ از کیفیت هنری خود تاریخ و رویدادهای سیاسی و اجتماعی و

سحر آزاد: همه سخن‌ها از سختی و مقاومت در مقابل زندگی بود. چه آنها که برای ادای سخنرانی پشت تریبون رفتند چه آنها که در حیطات خانه هنرمندان ایستاده بودند، از سرسختی زنی گفتند که با وجود ابتلا به سرطان سال‌ها مقاومت کرد و تا آخرین روز، از تلاش برای ادامه زندگی باز نایستاد. «فریده لاشایی» متولد ۱۳۳۳ در شهر رشت بود. او نه تنها به عنوان نقاش در سبک اکسپرسیونیسم انتزاعی، بلکه به عنوان نویسنده با نگارش رمان‌های زیادی که معروف‌ترین آن «شال‌بامو» بود، توانست جایگاه خود را در فرهنگ و هنر ایران ثبت کند. این هنرمند غروب ششم اسفند بعد از سال‌ها مبارزه با سرطان در ۶۸ سالگی در بیمارستان جم تهران درگذشت. مراسم تشییع پیکر او صبح روز گذشته، نهم اسفند در مقابل خانه هنرمندان برگزار شد. در این مراسم که هیچ یک از مسئولان دولتی به خصوص از معاونت هنری و مرکز هنرهای تجسمی حضور

نداشتند، چهره‌هایی چون لیلی گلستان، بهمن فرمان‌آرا، کامبیز درمبخش، یعقوب امدادیان، مریم زندی، گیزلا وارگا سینیایی، محمدابراهیم جعفری، جمشید مرادیان، حسین محجوبی، معصومه مظفری و حبیب صادقی دیده می‌شدند. علیرضا سمیع‌آذر، منتقد هنر، رئیس اسبق موزه هنرهای معاصر از سخنرانان مراسم در توصیف لاشایی گفت: «امروز شاهد شکست مبارزه طولانی او با بیماری و مرگ هستیم و به همین دلایل متأسفم. او

شرق: ششوالیه آواز ایران، از شب گذشته در سالن میلاد نمایشگاه بین‌المللی تهران روی صحنه رفت. در تازه‌ترین کنسرت شهرام ناظری که امشب تا شنبه شب هم در سالن میلاد ادامه دارد، این خواننده بار دیگر به سمت شاهنامه‌خوانی رفته و داستان پر هیجان ضحاک و قیام کاوه را برای این اجرا درنظر گرفته است. برنامه پیش‌بینی شده در این کنسرت شامل دو بخش خواهد بود: در بخش مولانا، شهرام ناظری قطعاتی همچون «من چه دالم»، «سوز و گداز»، «فقل زندان»، «شیدا شدم»، «راست بگو نهان مکن» و «حلاج (شفیعی کدکنی)» را برای مخاطبانش اجرا خواهد کرد. در بخش فردوسی، شوالیه آواز ایران، آواهای باستانی و زورخانه‌ای را روایت خواهد کرد و داستان «کاوه



حمید فرخ‌زاد، بازیگر برگزیده سی‌ویکمین جشنواره فیلم فجر، که چندی پیش به عنوان سفیر کمک به بیماران خاص برگزیده شد، جایزه نقدی خود را به انجمن اماس ایران اهدا کرد. در دیدار فرخ‌زاد از این انجمن که روز شنبه‌شبه هشتم اسفند به مناسبت روز بیماری‌های خاص صورت گرفت، وی ضمن آشنایی با هیات مدیره انجمن اماس، درخصوص آشنایی بیشتر جامعه با این بیماری، راه‌حل‌های موجود برای کمک به مبتلایان به اماس و اهمیت حضور هنرمندان و ورزشکاران در کنار انجمن‌ها و نهادهای اینجینی به گفت‌وگو پرداخت.

عکس: نایسن

هنر

نگاه هفتم

سینما فقط در «نوروز» خلاصه نمی‌شود



علی سراتیپی
تهیه‌کننده

و ما هم از آن دفاع می‌کنیم. ذکر این نکته ضروری است که فیلم «هیس» دخترها فریاد نمی‌زنند» فیلم گرم و پرمخاطبی است و در جشنواره هم استقبال بسیار خوبی به همراه داشت، اما برای اکران نوروز در نظر گرفته نشد. اگر انتخاب می‌شد بدون شک مورد استقبال بی‌نظیری قرار می‌گرفت. البته باید این نکته را هم در نظر گرفت که ما یکسال را پیش‌رو داریم و این فیلم‌ها باید در طول سال نوبت اکران بگیرند و به مخاطب عرضه شوند. نمی‌توان فقط نوروز را در نظر گرفت. با توجه به اینکه در سال جدید در کشور به دلیل انتخابات یک دوره سه ماهه سیاسی پیش‌رو داریم امیدواریم این موضوعات روی همه جوانب سینما اثر نگذارد و سال خوبی را برای سینما و مخاطبانش شروع کنیم. در خصوص فیلم آقای دهنمکی واقعیت این است که گذشته ثابت کرده است که فیلم‌های ایشان استقبال خوبی را در سینماها و به‌ویژه در شهرستان‌ها به بار آورده است و در انتخاب امسال این فیلم هم نظر خود سینماها را این بود. در واقع چندان دلیل خاصی برای اکران این فیلم و اجبار و اصرار خاصی برای این مساله نبوده است. همه برنامه‌ریزی‌ها از سوی سینمادارها صورت گرفت.

در مراسمی با شکوه

پیکر لاشایی تا «در بند سر» بدرقه شد

ابراهیم حقیقی، گرافیست و عکاس نیز که اجرای مراسم را برعهده داشت، شعری در وصف لاشایی خواند و درباره تلاش او برای ادامه زندگی گفت: «او آخرین ویدیوی خود را روی تخت بیمارستان تماشا کرد و همین به همه‌ما نشان می‌دهد که چقدر سرسخت بود.» حقیقی در ادامه از مانلی کیکاسوی دعوت کرد تا درباره مادر خود سخن بگوید. کیکاسوی با بیان اینکه محبت دوستان و اطرافیان آن قدر زیاد بوده که غم از دست دادن فریده لاشایی را کمتر می‌کند، قطعه‌ای از آخرین یادداشت مادرش را خواند. همچنین رعنا فرنود، نقاش و بیشتر به مرگ. این مبارزه او را جنگ‌جویی مشاهده زندگی و آثار او فکر می‌کنم، آتش بود چون سر جنگ داشت البته کمتر با زندگی و بیشتر به مرگ. این مبارزه او را جنگ‌جویی تمام‌عیار کرد که ۲۰ سال با بیماری و مرگ جنگید.» او همچنین از آشنایی خود با لاشایی در نمایشگاه گروهی زنان در سال ۱۳۷۱ یاد کرد و افزود: «آثار او بر خلاف خودش که به شدت اجتماع‌گرا بود، به طبیعت می‌پرداخت. او ترجیح می‌داد بیشتر نویسنده باشد تا نقاش.» همایون ثابتی مطلق، رئیس انجمن نقاشان هم از دیگر سخنرانانی بود که ضمن تاسف از درگذشت لاشایی از برگزاری مراسمی با عنوان «هنر نمی‌کند، برای همه ما آشناست» و او نماد این رنج است. هنر او آکنده از عشق به زندگی بود و نگاهش به طبیعت سرشار از زندگی بود.»



عکس: نایسن

نقاشی بزرگ و فراتر از ایران بود که متأسفانه سرانجام در برابر بیماری شکست خورد.» این منتقد درباره اهداف لاشایی در زندگی عنوان کرد: «لاشایی روشنفکری مبارز و نویسنده‌ای بزرگ بود و بخش زیادی از عمرش را صرف رسیدن به آرمان‌های خود کرد.» سمیع‌آذر افزود: «لاشایی بیش از یک دهه با مرگ دست‌به‌گریبان بود ولی هیچ‌وقت تبسم از لب او



تماشاخانه

به بهانه اجرای نمایش «غبار» و یادی از سال‌های جنگ باید «غبار» از سینه‌ها زدود



سیدامیر سیجزاده
تهیه‌کننده

امروز بعد از ۳۰ و اندی سال نویسنده‌ای با قلم توانای خودش گوشه‌ای از آن اتفاقات را به تصویر کشیده و بر صحنه آورده. وقتی متن نمایشنامه «غبار» به دستم رسید تا ساعت‌ها بعد از خواندنش گریه کردم و بلافاصله به نویسنده و کارگردان متن (بهاره رهنما) تلفن زدم و آمادگی خودم را برای هر گونه همکاری جهت اجرای چنین نمایشی اعلام کردم. این طور بود که من اتفاق این کارگردان، روایتگر بخشی از تاریخ غرور آفرین کشورمان از نسلی به‌نسل دیگر شدیم. ما با بازی خوب خانم‌ها: الهام پناه‌زاد، نسیم ادبی و سپیده گلچین.

امید که مسوولان فرهنگی هم در راستای انجام رسالت خودشان غبار را از سینه‌ها برانند.

چهره روز

«شان‌بن»

در کنار زلزله‌زدگان هایتی



● شرق: بازیگران سرشناس جهان در کنار کارهای هنری همواره سعی کرده‌اند به کارهای عام‌المنفعه هم بپردازند. در چند سال پیش، جورج کلونی به‌طور ویژه به کمک گریستانگن دارفور شتافت و کمک‌های زیادی برای این مردم آفریقایی جمع کرد. همین‌طور آنجیلینا جولی به دنبال سیل در پاکستان به کمک سبیل‌زدگان رفت. شان بن، بازیگر سرشناس آمریکایی هم از هنرمندانی است که در این سال‌ها توجه ویژه‌ای به آسیب‌دیدگان داشته است. این برنده اسکار بازیگری از پیشگامان بازسازی کشور هایتی است. او در تازه‌ترین اظهارنظرش از پیشرفت به‌دست آمده پس از وقوع زلزله ویرانگر در این کشور اظهار شگفتی کرد. در حادثه زلزله که در دوازدهم ژانویه ۲۰۱۰ در کشور هایتی روی داد، بیش از ۳۰۰ هزار نفر جان خود را از دست دادند و حدود یک‌ونیم میلیون نفر بی‌خانمان شدند. «شان بن» مردم کشور هایتی را بسیار مقاوم معرفی کرد و یادآور شد که پس از وقوع زلزله، بوی اجساد شهر را فراگرفته بود اما اکنون در آن خیابان‌ها صدای زندگی جاری شده است. «بن» که به عنوان سفیر افتخاری در کشور هایتی کارش را آغاز کرد، ابتدای فعالیتش را با رساندن داروهای مسکن به آسیب‌دیدگان زلزله آغاز کرد و پس از آن مدیریت کمپ توانبخشی مجدد به حادثه‌دیدگان را برعهده داشت. این بازیگر سرشناس سینما، فعالیت‌های دیگری چون آوازپرداری، تعمیر خانه‌های آسیب‌دیده و همچنین راه‌اندازی یک مرکز درمانی را در هایتی انجام داده است. بن علاوه بر بازیگری کارهای خیری نیز می‌کند. او در اکتبر ۲۰۰۲ مبلغ ۵۶ هزاردلار برای یکسری تبلیغ به واشنگتن بستم پرداخت کرد که در آن تبلیغات، از جورج بوش، رئیس‌جمهوری آمریکا، خواسته می‌شد روند خشونت‌ها را پایان ببخشد. او در دسامبر ۲۰۰۲ سفر کوتاهی به عراق داشت و در ژوئن ۲۰۰۵ نیز در سفری پنج‌روزه به‌عنوان خبرنگار روزنامه سانفرانسیسکو کرونیکل از ایران دیدار کرد.

ادامه از صفحه اول

رکورددار بهم ریختگی

در لایحه ۱۳۹۲ نیز عینا شبیه آنچه که در لایحه ۱۳۹۱ و همین‌طور سال‌های قبل آمده میزان ارقام مطرح شده با برآوردهای واقع‌بینانه‌ای که از توانایی‌های دولت در این زمینه وجود دارد حکایت از آن می‌کند که عملاً ارقام ادعا شده در کوتاهمدت دستمایه تبلیغات صوری و فاقد محتوا در زمینه تمایل به فعالیت‌های عمرانی و در نیمه دوم سال عملاً در حکم ابزاری برای پنهان کردن بخش‌هایی از کسری بودجه واقعی دولت به کار گرفته می‌شود. اشکال بزرگ این رویه که گرچه در دولت‌های قبلی نیز کم‌وبیش وجود داشته اما در این دولت ابعاد بی‌سابقه‌ای پیدا کرده و به همین دلیل فرصتی داده تا هزینه‌های دولت وضعیت ناهنجاری نسبت به وضعیت‌های تجربه‌شده در تاریخ اقتصاد دوران پس از انقلاب را به نمایش بگذارد.

۳- از آنجا که دولت حاکمتر استفاده ممکن را از همراهی‌های غیرقابل توجیه مجالس قبلی در جهت افراط در خلق کالون‌های هزینه‌ای جدید و پایدار برای نهاد دولت کرده است میزان تعهدات و بدهی‌های دولت و کسری‌های آشکار و پنهان آن ابعاد نگران‌کننده‌ای را به خود گرفته است. باید امیدوار بود که به‌ویژه برای سال ۱۳۹۲ که قرار است تغییر و جابه‌جایی در سطح بالای قوه مجریه اتفاق بیفتد لاقول برای اسامال نمایندگان مجلس، برخورد دقیق‌تر و کارشناسی‌تری در این زمینه در دستور کار قرار دهند تا امکان استناد دولت بعدی به رویه‌های ناهنجار اجرا شده طی سال‌های اخیر کاهش یابد زسرا در غیر این صورت نظام بودجه‌ریزی دولت با یک وابستگی با مسیری مخرب روبه‌رو خواهد شد که اصلاح آن در دولت بعدی نیز پرهزینه خواهد کرد. هنگامی که از این زاویه به کلیات لایحه بودجه ۱۳۹۲ نگاه می‌کنیم با کمال تأسف مشاهده می‌شود که تدوین‌کنندگان این سند نه‌تنها از تجربه‌های تاریخی کشور به‌ویژه طی دو دهه اخیر استفاده کافی نکرده‌اند بلکه به‌ویژه در زمینه اتخاذ رویه‌های اثبات‌زا در فضای کلان اقتصاد ملی حتی از تجربه هفت‌ساله اخیر خود نیز درسی فرانگرفته‌اند این مساله به‌طور مشخص در نوع نگاه لایحه به نرخ ارز، قیمت حامل‌های انرژی و مساله واردات با وضوح بیشتری قابل مشاهده است و باید امیدوار بود که نمایندگان محترم مجلس هنگام بررسی لایحه بودجه رویه‌های نادرست دولت را که در زمینه سیاست‌های پیش گرفته به جای محور قرار دادن اقتضات بخش‌های مولد فقط نیازهای مالی خود را لحاظ کرده و پیش‌بینی می‌شود که موج جدیدی از گرایش به فعالیت‌های سوداگرانه را تشدید کند، اصلاح کند. نمایندگان محترم مجلس باید مشغله و کنذرشناسه، نمایندگی دولت را آگاه سازند که در شرایط حساس کنونی آنچه که به کار کشور می‌آید و مایه رفاه می‌شود محور قرار دادن مسایل و نیازهای بخش‌های مولد است. چیزی که به‌رغم تجربه پر خسارت مشاهده شده در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ عملاً از سوی تدوین‌کنندگان لایحه بودجه نادیده گرفته شده است. باید امیدوار بود که نمایندگان محترم مجلس با بهره‌گیری از ظرفیت‌های کارشناسی موجود به‌ویژه در مرکز پژوهش‌های مجلس، در این نقطه‌عطف حساس تغییر دولت اصلاحات مورد نیاز را در جهت مهار بی‌انضباطی مالی دولت و معکوس کردن شرایطی که در آن غیروملداه پرورق و مولداه تحت‌فشار هستند چشم‌انداز امیدوارکننده‌تری را برای اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۲ فراهم کنند.